

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه				بسمه تعالی	
معاونت آموزش				امتحانات ارتقایی - شهریور ۱۳۹۲	
اداره ارزشیابی و امتحانات				پاسخنامه مدارس شهرستانها	
کمیسیون طرح سؤال				پایه :	۸
				موضوع :	اصول ۱
				تاریخ :	۹۲/۰۶/۰۲
				ساعت :	۱۸
نام کتاب: فرائد الاصول، از اول المقصد الثالث (فی الشک) تا اول استصحاب					
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)					

تستی

۱. اِنْ حَرَمَةُ الْمَخَالَفَةِ الْقَطْعِيَّةُ فِي الشَّبْهَةِ الْمَحْصُورَةِ ج ۲۰۹
 - ا. مختصّة بما إذا كان الحرام المشتبه عنواناً واحداً مردداً بين أمرين ☐
 - ب. مختصّة بما إذا كان الحرام المشتبه مردداً بين عنوانين ☐
 - ج. شامل لما كان مردداً بين عنوانين ☒
 - د. شامل لما كان عنواناً واحداً مردداً بين أمرين إلّا إذا كان تدريجی الحصول ☐
۲. بر فرض جواز مخالفت قطعيه در شبهات تدريجی، نظر مصنف در حکم معاملات تاجری که علم اجمالی دارد در طول یک ماه به معاملاتی ربوی مبتلا می شود چیست؟ د ۲۴۹
 - ا. تمسک به اصالة الصحة در تمام معاملات تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند ☐
 - ب. تمسک به «أوفوا بالعقود» برای اثبات صحّت تمام معاملات ☐
 - ج. تمسک به «أوفوا بالعقود» تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند ☐
 - د. تمسک به اصالة الفساد در تمام معاملات ☒
۳. به نظر مصنف، کدام گزینه صحیح نیست؟ ج ۱۲۵
 - ا. اِنْ الظَّنَّ بِالْحَرَمَةِ لَا يَسْتَلْزِمُ الظَّنَّ بِالضَّرَرِ الْآخَرَى ☐
 - ب. اِنْ الظَّنَّ بِالْحَرَمَةِ لَا يَسْتَلْزِمُ الظَّنَّ بِالضَّرَرِ الدِّنْيَوِی ☐
 - ج. اِنْ القَطْعَ بِالْحَرَمَةِ يَسْتَلْزِمُ القَطْعَ بِالضَّرَرِ الدِّنْيَوِی ☒
 - د. اِنْ مَتَعَلَّقَ التَّكْلِيفُ الْمَشْكُوكُ إِذَا كَانَ فِعْلاً جَزْئِيّاً مَتَعَلِّقاً لِلْحُكْمِ الْجَزْئِيّ، فَمِنْ شَأْنِ الشَّكِّ فِيهِ ومثاله د ۱۸ متوسط
- ا. فقدان النصّ - الشک فی حرمة شرب العنب المغلی ☐
 - ب. اشتباه الأمور الخارجية - الشک فی حرمة شرب العنب المغلی ☐
 - ج. فقدان النصّ - الشک فی حرمة هذا الماء المحتمل كونه خمرأ ☐
 - د. اشتباه الأمور الخارجية - الشک فی حرمة شرب هذا الماء المحتمل كونه خمرأ ☒

تشریحی

- * احتجّ من جوّز ارتکاب ما عدا مقدار الحرام فی الشبهة المحصورة بالأخبار الدالة علی حلّ ما لم يعلم حرمة و قال فی توضیح ذلك: إنّ الشارع منع عن استعمال الحرام المعلوم و جوّز استعمال ما لم يعلم حرمة، و المجموع من حیث المجموع معلوم الحرمة و لو باعتبار جزئه و کذا کلّ منهما بشرط الاجتماع مع الآخر، فیجب اجتنابه، و کلّ منهما بشرط الانفراد مجهول الحرمة فیکون حلالاً. ۲۱۴ (۳)
۱. دلیل مجوزین را تقریر کنید.

روایات دالّ بر حلیّت مشکوک الحرمة دلالت می کنند بر تجویز ارتکاب مقداری از اطراف شبهه که زائد بر معلوم بالإجمال هستند؛ زیرا این مقدار زائد، مشکوک الحرمة می باشند توضیح اینکه مجموع اطراف - به ما هو مجموع - معلوم الحرمة می باشند؛ زیرا وقتی حرمت جزء معلوم باشد و کلّ نیز چیزی جز جزء، به انضمام اجزاء دیگر نباشد حرمت کلّ نیز معلوم است. همانطور که هر طرف به شرط اجتماع با سایر اطراف معلوم الحرمة می باشد لذا باید از آن اجتناب نمود ولی هر طرف به شرط انفراد مجهول الحرمة است و به مقتضای اخبار فوق عدم اجتناب از آن جائز است.

* و التحقيق في رجحان الإحتياط بالفعل في العبادات عند دوران الأمر بين الوجوب و غير الاستحباب و عدمه: أنه إن قلنا بكفاية احتمال المطلوبية في صحة العبادة فيما لا يعلم المطلوبية و لو إجمالاً، فهو، و إلاً فأوامر الإحتياط لا يجدى في صحتها؛ لأنّ موضوع التقوى و الإحتياط - الذي يتوقّف عليه هذه الأوامر - لا يتحقّق إلّا بعد إتيان محتمل العبادة على وجه يجتمع فيه جميع ما يعتبر في العبادة حتّى نيّة التقرب، و إلّا لم يكن احتياطاً فلا يجوز أن يكون تلك الأوامر منشأً للقربة المنويّة فيها. ١٥٢

٢. نظر مصنف را توضيح دهد.

در موارد دوران امر بين وجوب و اباحه يا كراهت، اگر قائل باشیم در مواردی که علم تفصیلی یا اجمالی به مطلوبیت عمل نداریم، صرف احتمال مطلوبیت، برای قصد قربت کافی است می توان احتیاط را راجع دانست ولی در غیر این صورت نمی توان صحت را از ادله احتیاط استفاده نمود؛ زیرا موضوع این ادله که تقوى و احتیاط است محقق نمی شود مگر اینکه بتوان محتمل العباده را با تمام اجزاء و شرائط، اتیان نمود. لذا باید قصد قربت نیز در مرحله قبل ثابت باشد.

* هل يشترط في العنوان المحرّم الواقعيّ المردّد بين المشتبهين أن يكون على كلّ تقدير متعلّقاً لحكم واحد أم يشمل ما لو كان المحرّم على كلّ تقدير عنواناً غيره على التقدير الآخر، و الأقوى عدم جواز المخالفة القطعية مطلقاً. ٢٢٧

٣. ضمن شرح عبارت، برای هریک از دو فرض، مثال بزنید.

آیا شرط است در عنوان محرم واقعی مردد بین مشتبهین که در تمام تقریرات متعلق یک حکم باشد یا این که بتواند در یک فرض متعلق حکمی باشد و در فرض دیگر متعلق حکم دیگر. اقوی جواز مخالفت قطعیه در هر دو صورت است.
مثال اول: خمر مردد بین انائین. مثال دوم: جایی که امر دائر باشد بین اینکه مایعی نجس باشد یا مال دیگری باشد.

* إنا نعلم إجمالاً قبل مراجعة الأدلة الشرعية بمحرّمات كثيرة يجب بمقتضى قوله تعالى «وَمَا نَهَاكَ عَنْهُ فَانْتَهُوا» الخروج عن عهده تركها على وجه اليقين بالاجتناب أو اليقين بعدم العقاب. ٨٧

٤. دلیل عقلی بر وجوب احتیاط را تقریر کنید.

با توجه به آیات و روایات می فهمیم در دین اسلام حرامهای زیادی وجود دارد و با توجه به آیه شریفه «وما نهاکم عنه فانتهوا» ترک همه آن حرامها واجب است و یا حداقل باید به طریقی یقین به عدم عقاب در صورت ارتکاب حرام داشته باشیم - چون یقین به اشتغال ذمه، یقین به براءت را می طلبد - و بعد از مراجعه به ادله و عمل به ادله یقین به ترک همه حرامها پیدا نمی کنیم پس باید احتیاط کنیم و هر چیزی را که احتمال حرام بودنش را می دهیم باید ترک کنیم.

* في رواية مسعدة بن صدقة «كل شيء لك حلال ... وذلك مثل الثوب يكون عليك ولعله سرقة» لا إشكال في ظهور صدرها في المدعى (أي أصالة الحلية في الشبهات التحريمية الموضوعية) لكن المثال المذكور فيها بملاحظة الأصل الأولى محكومة بالحرمة، والحكم بحليتها إنما هو من حيث الأصل الموضوعي الثانوي فالحلّ غير مستند إلى أصالة الإباحة. ١٢٠ متوسط

٥. «اصل اولی» و «اصل موضوعی ثانوی» را در مثال بیان کرده و اشکال استدلال به روایت را توضیح دهد.

الأصل الأولى هو أصالة بقاء الثوب على ملك الغير والأصل الموضوعي الثانوي هو قاعدة اليد في المالك السابق.

اشکال: حلیت در این مثال به استناد قاعدة يد است نه أصالة الحل در مشکوک الحرمة

* إن تقدير المؤاخذه في حديث الرفع لا يلائم عموم الموصول للموضوع والحكم؛ لأنّ المقدّر المؤاخذه على نفس هذه المذكورات، ولا معنى للمؤاخذه على نفس الحرمة المجهولة. ٢٨ متوسط

٦. اشکال «تقدير مؤاخذه» را تقریر کنید.

ظاهر از روایت نفی مؤاخذه از خود مذکورات نه گانه است و مای در «ما لا يعلمون» نمی تواند عبارت از حکم باشد؛ زیرا نفس حکم مؤاخذه ندارد و مؤاخذه منحصر در فعل خارجی عبد است.

* من الأدلة التي يدلّ على عدم وجوب الاحتياط في الشبهة التحريميّة قوله (عليه السلام): «كلّ شيء مطلق حتّى يرد فيه نهى» ودلالته على المطلوب أوضح من الكلّ، وظاهره عدم وجوب الاحتياط؛ لأنّ الظاهر إرادة ورود النهى في الشيء من حيث هو، لا من حيث كونه مجهول الحكم، فإنّ تمّ ما سيأتى من أدلّة الاحتياط دلالةً وسنداً وجب ملاحظة التعارض بينها وبين هذه الرواية. ٤٣

٧. ادلّة وجوب احتياط در چه صورت، معارض این روایت است و در چه صورت بر آن مقدم می‌شود؟

اگر مراد از نهی، نهی از شیء من حیث هو هو (نهی واقعی) باشد ممکن است بین روایت و ادلّه وجوب احتیاط تعارض شود؛ ولی اگر مراد از نهی، نهی از شیئی به ما هو مجهول الحكم (نهی ظاهری) باشد ادلّه احتیاط که مفاد آن نهی ظاهری است، مقدّم بر این روایت است.

* مرجع الشک فی المانعیه إلى الشک فی شرطیه عدمه، وأمّا الشک فی القاطعیّة، بأنّ يعلم أنّ عدم الشيء لا مدخل له فی العبادة إلّا من جهة قطعه للهيئۃ الاتّصاليّة المعتبرة فی نظر الشارع فالحکم فيه استصحاب الهيئۃ الاتّصاليّة وعدم خروج الأجزاء السابقة عن قابليّة صيرورتها أجزاءً فعليّة. ٣٥٩

٨. مانع، قاطع، اجزاء فعلیه و اجزاء شأنیه را توضیح دهید.

مانع: چیزی است که عدم آن در «مأمور به» شرط شده است ولی وجود آن موجب قطع هیئت اتصالیه مأمور به نیست. (مثل کلام مختصر در نماز).

قاطع: چیزی است که عدم آن در مأمور به شرط شده است و وجود آن موجب قطع هیئت اتصالیه نماز است (مثل فعل کثیر که صحت نماز مشروط به عدم فعل کثیر در اثناء آن است و وجود فعل کثیر در اثناء نماز، عرفاً انسان را از حال نماز خارج می‌کند و هیئت اتصالیّه نماز را به هم می‌زند).

اجزاء فعلیه: اجزاء مأمور به در فرض عدم وجود چیزی که هیئت اتصالیه را به هم می‌زند اجزاء فعلیه است بخلاف اجزاء در فرض وجود قاطع که اجزاء شأنیه است.

* وحاصل الفرق بین المانع والقاطع: أنّ عدم الشيء فی جميع آتات الصلاة قد يكون بنفسه من جملة الشروط، فإذا وجد آنّا ما فقد انتفى الشرط على وجه لا يمكن تداركه، فلا يتحقّق المركّب من هذه الجهة وهذا لا يجدى فيه القطع بصحّة الأجزاء السابقة، فضلاً عن استصحابها وقد يكون اعتباره من حيث كون وجوده قاطعاً ورافعاً للهيئۃ الاتّصاليّة فی نظر الشارع بین الأجزاء، فإذا شك فی رافعيّة شيء لها حکم ببقاء تلك الهيئۃ. ٣٧٤ ع ٢٥٢

٩. در کدام یک از شک در مانع یا قاطع، جریان استصحاب مصحّح نماز است؟

در موارد شک در مانعیت استصحاب صحت اجزاء سابقه جاری نمی‌شود اما در موارد شک در قاطعیت استصحاب هیئت اتصالیّه جاری است.